

رویکرد ابوریحان در کشف هندسه پنهان آفرینش

حسن بلخاری با اشاره به برخی آراء و افکار بدیع ابوریحان بیرونی بیان کرد: در مورد ابوریحان باید به دو نکته توجه داشته باشیم؛



حسن بلخاری با اشاره به برخی آراء و افکار بدیع ابوریحان بیرونی بیان کرد: در مورد ابوریحان باید به دو نکته توجه داشته باشیم؛ یکی اینکه ابوریحان به هندسه نقوش و هندسه جاری در بطن طبیعت اهتمام داشته که بسیار جالب است؛ چون یکی از بنیادی ترین مسئله های ما در هنر و معماری است و دوم عبارت از توجه به نقد عالمان، مبتنی بر عقل است.

به گزارش ایکن، مراسم بزرگداشت ابوریحان بیرونی، امروز ۱۳ شهریورماه، به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و با سخنرانی جمعی از اندیشمندان برگزار شد. در ادامه متن سخنان حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را می خوانید؛

برای این جلسه به کتاب «التفهیم» نگاهی داشتم که در باب علم نجوم است و مرحوم همایی با تصحیح و مقدمه خودش در سال ۱۳۵۲ آن را به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سپرد تا چاپ شود. کتاب را توری می کردم که بدانم و بینم چه موضوع بکری را در باب ابوریحان می توانم برگزینم. در یکی از صفحات به نکته جالبی تحت عنوان افکار تازه و نوآورده های علمی ابوریحان برخورد کردم که همایی در مقدمه آورده است.

جناب همایی ذیل این عنوان مواردی را بالغ بر بیست مورد ذکر کرده که در موارد خاص ابوریحان آورده های جدید نویی برای جهان علم داشته است. یکی از مواردی که اشاره می کند، عنوان اشکال هندسی گل ها و شکوفه ها است. جناب همایی می گوید از جمله اکتشافات و تحقیقات تازه ابوریحان، استنباط این نکته است که در شکوفه ها و گلها دقایق هندسی به کار رفته و سبب اینکه شکوفه ها و گل ها هرگز هفت برگ یا نه برگ نمی شوند، بلکه مثلث و مخمس و ... می باشند، آن است که ترسیم شکل هفت ضلعی و نه ضلعی متساوی الاضلاع در دایره ممتنع و محال است و بعد اشاره کردند که این آورده نو و جدید در آثارالباقیه مورد بحث قرار گرفته است. آثار الباقیه را از کتابخانه مجلس یافتم و بعد این بحث را در صفحه ۲۹۷ و ۲۹۸ پیدا کردم. نقادی عقاید خرافی مسیحیت از سوی ابوریحان بیرونی

ابوریحان بختی در باب اعتقادات بخشی از مسیحیت تحت عنوان نصاری دارد و وارد بیان و نقد بسیار عالمانه برخی از آثار و مراسم و سنت های اینها شده است که به شدت به خرافه آلوده است و بعد ضمن بیان این سنن غریبه و نقد آنها، یک بحثی دارد که این بحث مبنای ورودش به اشکال و نقوش هندسی گل ها و کواکب و طبیعت و اشیاء است.

اما پیش تر باید اشاره کنم که چرا این بحث برای بنده مهم جلوه کرد. چون در حوزه حکمت و فلسفه هنر و معماری اسلامی، یکی از بنیادی ترین و مهم ترین و مبنایی ترین بحث ها، هندسه نقوش است؛ یعنی این است که معتقدیم یک هندسه پنهان در بطن این آثار وجود دارد و مراد از هندسه پنهان این نیست که یک اثر را برداریم و هندسه طراحی آن را به دست آوریم، بلکه مراد این است که بنابر شریفه قرآن که: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»، که ما هر چیزی را به توازن و تناسب و هندسه آفریدیم، هنرمند مسلمان نیز با محاکات از حضرت حق در حقیقت هندسه را به عنوان عامل بنیادین ظهور ایده خودش انتخاب می کند و کشف این هندسه یکی از عوامل بنیادین درک اثر است و بحث مهمی را در این عرصه داریم. هندسه زبان هنر و معماری است

امروزه در جهان هنر و معماری از تناسبات طلایی صحبت می شود و یکی از مفاهیم بر بنیاد اعداد فیبوناچی کشف می شود و این اعداد، اعدادی است که هر عدد محصول جمع دو عدد پیشین است و وقتی می گوئید هشت، یعنی حاصل پنج و سه و همینطور به بالا می رود. هر عددی در این سلسله اعداد به قبلی آن تقسیم شود، به یک عدد ممیز ۶۱۸ می رسیم که در جهان هنر و معماری به امضای خدا مشهور است و بحث های فوق العاده زیبایی در این عرصه داریم و در الهیات اینطور جلوه می کند که هستی متشکل از یک نظم بسیار زیبا است. البته اکنون نمی توانم این بحث را به صورت مفصل ارائه دهم، اما باید توجه کرد که هندسه زبان هنر و معماری است و هنگامی که می فهمید یک فیلسوف و دانشمند برجسته در تمدن اسلامی به هندسه نقوش توجه دارد، طبیعی است که خوشحال می شوید؛ زیرا می فهمید که شاهکارهای عظیمی که در ساحت هندسه در معماری اسلامی - ایرانی و در هنر ظهور کرده، می توانسته چنین عقبه های نظری نیرومندی داشته باشد.

اینکه مثلاً در سال ۳۹۷ هجری و قبل از آن، بیرونی این نکات را گفته و اثری در معماری ساخته می شود که از نظر مهندسان، مهندسی ترین بنای عالم است که عبارت از گنبد قابوس است، متوجه می شویم که حقیقتاً یک آثار عظیمی به وجود آمده است.

یک تمدن تا در حوزه نظری و فلسفی به ادراک و تجربه عمیق از هندسه نرسد، نمی تواند این آثار را خلق کند. برای ما کشف مبنای بنیادین نظری هندسه در تمدن اسلامی که ظهور و تجلی زیبایی شناسانه اش این آثار معمای بوده، فوق العاده مهم است. بنابراین مهم است که چنین دانشمندی در باب هندسه نقوش صحبتی کرده باشد.

تعریض ابوریحان به شبه مسلمین

جناب ابوریحان همچنین تعریضی به برخی از شبه مسلمین دارد که می آیند و اسم خدا و پیامبر(ص) را به برخی از اعضای بدن می دهند که این را رد می کند. سپس وارد جریان مسیحیت می شود و می گوید که یک فرقه ای در میان نصاری داریم که معتقدند اگر پوسته چوب فاوانیا را بردارید، صلیب ظاهر می شود و اگر از این چوب دارویی بسازید و آب چوبی درست کنید و عصاره آب را به کسی که بیماری صرع دارد، بنوشانید خوب می شود. ابوریحان این را می آورد و نقد می کند که این چه حرفی است؟ آیا اینها توجه ندارند که خیلی قبل تر از مسیح، جالینوس در مورد آثار طبی این چوب صحبت کرده و گفته در صرع کاربرد دارد؟ پس این یک مسئله علمی است و چرا از این مسئله علمی مصادره مطلوب مذهبی می کنید؟ آن هم با استناد به امری که قابل اثبات نیست.

این رویکرد نقادانه ابوریحان تحسین برانگیز است. بنده ایشان و ابن هیثم را جزو برجسته ترین دانشمندان محقق و منتقد با رویکرد انتقادی و بنیادگذار روش تجربی و دقیق می دانم. سپس همین سبب می شود که ایشان یک بحث انتقادی جالب را شروع می کند و بعد وارد هندسه نقوش در طبیعت و کائنات می شود. بحث این است که برخی ها هستند که وقتی بخواهند حرف خود را مستدل کنند، در طبیعت می گردند و یکسری آثار طبیعی را انتخاب می کنند و از آنها برای اثبات سخن خود ادله می آورند و اگر بین حرف آنها و چیزی که کشف کرده اند، تضاد باشد به قدری مطلب را می پیچانند که در نهایت حرف خود را اثبات می کنند. بیرونی می گوید ایرادی ندارد، اما بدانند که به واسطه نسبت جوهری میان سنجنده و سنجیده شده و دال و مدلول است که حرفشان را می پذیریم و اگر یک نسبت منطقی میان دال و مدلول نباشد، این را رد می کنیم و این حرف بسیار مهم است و به نحوی تأویل را در فرهنگ ایرانی – اسلامی جهت می دهد که شما آزاد نیستید هر چیزی را به نام تأویل به خورد مخاطب بدهید و مفاهیم خود را به صورت ذوقی بخواهید به مردم تزریق کنید و باید بین دال و مدلول نسبتی برقرار باشد. هزار و صد و پنجاه سال قبل ابوریحان این را ذکر می کند و می گوید اگر شما در طبیعت و گل ها و شکوفه ها و ... بنگرید، شکل های دوتایی، چهارتایی و ... پیدا می کنید یا مثلاً شش ضلعی را در نحل و کندوی عسل پیدا می کنید. خاصاً این در گل ها و شکوفه ها و جهان طبیعت نیز وجود دارد.

سپس می گوید هرکسی می تواند برای بیان اعتقادی خودش از این چیزها استفاده کند و در مسائل طبیعی و ... چیزهای عجیبی وجود دارد و بعد مثالی هم می زند. اما واقعیت این است که در جهان طبیعت اشکال هندسی طبیعی عظیمی داریم که هندسه عالم هستند و هرکسی می تواند از اینها برای مطالب غیرعلمی و غیرعقلی استفاده کند و باید در این قلمرو مواظب بود و از او پذیرفته نمی شود، مگر اینکه یک دلیل عقلی این را تأیید کند وگرنه صرف اشاره به اینها نمی تواند مبنای اثبات مطالب غیرعلمی باشد.

مقصود بنده دو نکته است؛ یکی اینکه اولاً اشاره ابوریحان به هندسه نقوش و هندسه جاری در بطن طبیعت بسیار جالب است؛ چون یکی از بنیادی ترین مسئله ما در هنر و معماری است و دوم توجه به نقد عالمان، مبتنی بر عقل است. جناب ابوریحان در سپیده دم ظهور اندیشه فلسفی در تمدن اسلامی توجه و تذکار جدی دارد مبنی بر اینکه مبدا این مباحث مورد سوء استفاده قرار بگیرد و مبنای ظهور خرافات باشد که فوق العاده عالی است و خواستم از این زاویه هم توجه ابوریحان به هندسه نقوش را به عنوان بحث نو باز کرده باشم و هم نگاه نقادانه ایشان را مطرح کنم که هر چیزی را نمی توان به عنوان یک امر تکوینی پذیرفت، بلکه باید ادله قوی و نسبت درست بین دال و مدلول وجود داشته باشد.